



گزارش نبرد تیپ مستقل ۳۳ المهدی (عج) در عملیات والفجر ۸

راویان: محمد سمیع‌زاده* و الیاس حضرتی**
تهیه و تنظیم: محمد محمدپور***

چکیده	<p>تیپ ۳۳ المهدی (عج) در عملیات والفجر ۸ با کمک نیروهای ویژه غواص مأموریت عبور از رودخانه، شکستن خط اول دشمن و پاک‌سازی سریل به‌دست‌آمده را برعهده داشت و تحت امر قرارگاه نوح عمل می‌کرد. مأموریت این یگان در مرحله بعد مقابله با پاتک‌های یگان‌های ارتش عراق، جلوگیری از پیشروی آنها و حفظ دستاوردهای مرحله اول عملیات بود که این تیپ به‌همراه چند یگان دیگر سپاه پاسداران با تشکیل خط پدافندی به تثبیت منطقه تصرف‌شده پرداختند.</p> <p>راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در تیپ مستقل المهدی (عج) (سمیع‌زاده) می‌باشد که با حضور در مقرهای فرماندهی و همراهی شبانه‌روزی با فرمانده این تیپ (جعفر اسدی) اقدام به ثبت و ضبط مراحل مختلف عملیات از طرح‌ریزی، شناسایی، هدایت و اجرای عملیات کرده و پس از عملیات نیز به جمع‌آوری اسناد و مصاحبه با تعدادی از دست‌اندرکاران مؤثر تیپ ۳۳ المهدی پرداخته است. وی سپس با استفاده از یادداشت‌ها، نوارها و اسناد جمع‌آوری‌شده گزارش این عملیات را تدوین کرده است. اصل گزارش با شماره سند ۶۵۰ در بانک اطلاعات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس فعلی) نگهداری می‌شود.</p> <p>مقاله زیر شرح عملکرد تیپ ۳۳ المهدی (عج) در عملیات والفجر ۸ می‌باشد که براساس گزارش عملیات راوی این تیپ و گزارش عملیات راوی قرارگاه نوح در عملیات والفجر ۸ (الیاس حضرتی) تهیه و تنظیم شده است.</p> <p>واژه‌های کلیدی: عملیات والفجر ۸، قرارگاه نوح، فاو، رأس البیشه، جاده فاو - ام‌القصر.</p>

مقدمه

در یکی از این جلسات، فرمانده نیروی زمینی ارتش اعلام آمادگی کرد که مسئولیت تکی را برعهده بگیرد؛ مشروط بر اینکه تعدادی از یگان‌های سپاه تحت امر وی قرار گیرند. در این زمینه قرارگاه نوح با چند یگان مأمور این موضوع شدند و قرارگاه مشترکی موسوم به "کمیل" تشکیل شد. با توجه به نظرها و دیدگاه‌های مختلف فرماندهان سپاه و ارتش، پس از چند ماه کار مشترک، قرارگاه مذکور منحل شد.

باتوجه به وضعیتی که در پی عدم‌الفتح عملیات بدر در جبهه‌های نبرد حاکم شده بود و آثار سوء این موضوع بر نیروهای خودی، همه مسئولان کشور بر اجرای فوری یک عملیات اتفاق‌نظر داشتند. در همین خصوص جلسات متعددی در سطح فرماندهان یگان‌های سپاه و ارتش به‌منظور بحث درخصوص چگونگی و شیوه اجرای عملیات آتی برگزار شد.

* راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در تیپ مستقل المهدی (عج) در عملیات والفجر ۸
** راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در قرارگاه نوح در عملیات والفجر ۸
*** کارشناس ارشد تاریخ انقلاب اسلامی و پژوهشگر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

سال دوازدهم □ شماره چهارم و هشتم □ بهار ۱۳۹۳

دریای آزاد متصل بوده و منتهی‌الیه خشکی عراق در جنوب‌شرقی این سرزمین محسوب می‌شده است. این منطقه موقعیت سیاسی - نظامی خاصی داشته و نقش قابل‌ملاحظه‌ای را در جریان جنگ بازی کرده است؛ حساس‌ترین معابر وصولی عراق در دریا از آنجا می‌گذرد و عراق از آن به‌عنوان یک برگ برنده به‌منظور تهدید و هدف قراردادن کاروان‌های تجاری، نفتکش‌ها، چاه‌های نفتی جزیره و اسکله‌های نفتی و نیز اعمال قدرت بر شیخ‌نشین‌های حوزه خلیج فارس و درنهایت تغییر سرنوشت جنگ استفاده کرده است.

باتوجه‌به این ویژگی‌ها و مشکل عبور وسایل سنگین از منطقه، نقش منطقه عملیاتی قرارگاه نوح در موفقیت کل عملیات اهمیت بسیاری دارد؛ بدین‌ترتیب که قرارگاه مأموریت داشت منطقه عملیاتی خود را سریع‌تر پاک‌سازی کند تا وسایل سنگین از طریق خلیج فارس به‌وسیله هاورکرافت در رأس‌البیشه پیاده شود تا برای ایجاد و استحکام‌بخشیدن به خط پدافندی و مقابله با پاتک‌های عراق در کل تک استفاده شود. در اجرای این هدف، تیپ المهدی (عج) نقش مؤثری ایفا می‌کرد. فرمانده قرارگاه نوح در این باره می‌گوید: «اگر المهدی منطقه دهانه را سریع پاک‌سازی نماید، هیچ مانعی برای استفاده‌کردن از هاورکرافت نداریم و می‌توانیم کلی وسایل سنگین از پایین وارد نماییم. اصلاً کل تک خاتم بیشتر بستگی به این دارد [که] سریع منطقه را آماده نماییم و وسایل سنگین را برای پشتیبانی آنها وارد عمل نماییم.»^(۱)

بررسی وضعیت قرارگاه نوح

قرارگاه دریایی نوح به فرماندهی حسین علایی، قبل از انتخاب منطقه فاو برای عملیات، کار مهندسی و اطلاعاتی قابل‌توجهی در این منطقه انجام داده بود. به‌دلیل رفتن تعدادی از کادرهای قرارگاه بعد از

بعد از انحلال قرارگاه کمیل، جلسه‌ای با حضور فرماندهان مناطق، قرارگاه‌ها و یگان‌های سپاه در تهران تشکیل شد. قرارگاه نوح سپاه باتوجه‌به اینکه در منطقه فاو خط پدافندی داشته و در این منطقه اقداماتی انجام داده بود و به استدلال اینکه فاو محل اتصال عراق به دریاست و از این نقطه می‌تواند برای مقابله با حضور ایران در دریا فعالیت‌هایی انجام دهد و بنادر ایران را تهدید کند، بر لزوم عملیات در منطقه فاو تأکید داشت. باوجود طرح مشکلاتی مانند عقبه، عبور، کمبود یگان و لزوم غافلگیری به‌واسطه ویژگی‌های خاص منطقه، درنهایت، با اصرار آقای هاشمی رفسنجانی* در خردادماه ۱۳۶۴، منطقه فاو به‌عنوان منطقه اصلی عملیات انتخاب شد.

در همین خصوص باید به حکم حضرت امام درباره تشکیل نیروهای سه‌گانه اشاره کرد که تحول‌شگرفی در سازمان سپاه به وجود آورد. در واقع، موفقیت نیروی دریایی سپاه در اجرای مأموریت محول‌شده در این عملیات اعم‌از؛ کنترل و عبورناپذیرکردن خور عبدالله برای دشمن، راه‌اندازی کاروان‌های طویل دریایی و تاکتیک عبور از رودخانه و... نشانه‌های این تحول بود. متن زیر عمدتاً براساس گفته‌های مسئولان یگان و مصاحبه با آنان استوار شده است و از مشاهدات و نظرهای راوی و جمع‌بندی‌ها و تحلیل‌های وی در گزارش استفاده نشده است. اطلاعات تکمیلی تیپ ۳۳ المهدی (عج) نیز از گزارش قرارگاه نوح استخراج شده است.

اهمیت منطقه عملیاتی والفجر ۸

منطقه عملیاتی تیپ ۳۳ المهدی (عج) که قرارگاه نوح مسئولیت اجرای تک در آن را برعهده داشت، بین رودخانه اروند - خور عبدالله - رأس‌البیشه و پایگاه موشکی مستطیلی قرار دارد که از دو طرف به

* فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) و فرمانده عالی جنگ و نماینده امام در شورای عالی دفاع

مصنوعی خاصی داشت که به شرح آنها خواهیم پرداخت:

زمین منطقه

منطقه عملیات رأس البیشه نام دارد که از شمال به اروندرود، از شرق به خلیج فارس و از جنوب و غرب به خور عبدالله محدود می‌شود. حاشیه اروندرود که از شمال به این ناحیه به سمت شرق امتداد پیدا کرده است، باتلاقی و پوشیده از چولان و نیزار است.

عرض باتلاق‌ها از ۵۰ متر در شمال شروع و به بیش از ۳ کیلومتر در نزدیکی‌های دهانه می‌رسد. قسمت‌هایی از جنوب شرقی، جنوب و غرب منطقه عملیاتی را نیز زمین‌های باتلاقی و گل‌ولای در بر گرفته که وسعت آن از ۴ کیلومتر در حاشیه خور عبدالله تا ۱۵ کیلومتر در قسمت دهانه و داخل خلیج فارس گسترش یافته است.

نخلستان

بین نیزارهای رودخانه اروند و باتلاق‌های حاشیه خور عبدالله

نخلستان‌های انبوهی وجود دارد که روستای منطقه را در بر گرفته است. جنگ در نخلستان مشکلاتی دارد که به دلیل تجربه نکردن، برای رزمندگان چندان ملموس نبوده است، چنان‌که فرمانده تیپ ۳۳ المهدی (عج) در این باره می‌گوید: «این عملیات چیزی نیست که بگوییم در عملیات رمضان این کار را کردیم و در فتح‌المبین ... این یک کار نو است و حتی برای اولین بار است که نیروهای ما در نخلستان با این وسعت می‌جنگند. پشت نخلستان‌های منطقه زمین باتلاقی نسبتاً وسیعی با عرض ۱/۵ و طول بیش از ۴ کیلومتر قرار دارد.»

عملیات بدر مسئولان قرارگاه با ضعف‌ها و مشکلات فراوانی مواجه بودند؛ نداشتن اعتماد به نفس و تردید درباره موفقیت عملیات، نامشخص بودن وضعیت تشکیلاتی قرارگاه و اینکه قرارگاه نوح تجربه عملیاتی نداشته و این عملیات اولین مأموریت محول‌شده به قرارگاه بوده، نگرانی‌هایی در میان مسئولان و حتی فرمانده قرارگاه ایجاد کرده بود. موضوع دیگر، طولانی شدن تخلیه نیروهای ژاندارمری از منطقه بود که ۴ ماه طول کشید.

مأموریت‌های محول‌شده به این قرارگاه عبارت بود از: (۲)

۱. مأموریت اول: عمل کردن در زمینی که به رأس البیشه تا ضلع جنوبی پایگاه موشکی اول (واقع در مستطیلی جنوب فاو) محدود می‌شد و در ادامه، عمل کردن روی جاده فاو - ام‌القصر تا جنوب دریاچه نمک. تیپ ۳۳ المهدی (عج) از جمله یگان‌هایی بود که در مأموریت اول وارد عمل شد. (۳)

۲. مأموریت دوم: پشتیبانی (ترابری دریایی) از یگان‌ها، سازماندهی و جمع‌آوری همه امکانات نیروی دریایی سپاه و ارتش تا به محض آزاد شدن اروندرود، همه وسایل سنگین موردنیاز مانند لودر، بلدوزر، بالگرد کبری و... را به منظور پشتیبانی از عملیات و مقابله با پاتک‌های عراق از طریق دریا وارد منطقه کند.

۳. مأموریت سوم: تصرف اسکله الامیه هم‌زمان و هماهنگ با نیروی دریایی ارتش که مأموریت تصرف اسکله البکر را داشتند.

۴. مأموریت چهارم: تأمین خور عبدالله که قرار بود نیروی دریایی ارتش آن را برعهده بگیرد که در عمل به دلیل حضور نیافتن آنها نیروی دریایی سپاه وارد میدان شد.

وضعیت عوارض طبیعی و مصنوعی منطقه

منطقه‌ای که برای عملیات یگان در نظر گرفته شده بود خصوصیات، عوارض و ویژگی‌های طبیعی و

قرارگاه نوح مأموریت داشت منطقه عملیاتی خود را سریع‌تر پاک‌سازی کند تا وسایل سنگین از طریق خلیج فارس به وسیله هاورکرافت در رأس البیشه پیاده شود تا برای ایجاد استحکام بخشیدن به خط پدافندی و مقابله با پاتک‌های عراق استفاده شود.

نهرها

در منطقه عملیاتی یگان ۳۳ المهدی (عج) در مجموع ۷ نهر وجود دارد که با تلاش واحدهای مهندسی عراق نیمی از ۳ نهر پر شده و ۴ نهر باقی مانده بود. نهرها هنگام مد کامل، آبی به عمق حداکثر ۲/۵ و عرض ۲۰ متر را در خود جای می‌دهند و طول هریک از آنها تا جاده عرضی دشمن تقریباً ۲ کیلومتر است.^(۴) بین خط خودی و دشمن، اروندرود در طول ۶

کیلومتر و عرض ۱۶۰۰ متر در محور راست و ۲۰ کیلومتر در محور چپ منطقه عملیاتی یگان واقع شده است که عمق آب آن در جزر ۳ الی ۴ متر است که هنگام مد کامل به ۸ متر می‌رسد. همچنین هنگام جزر ۵۰ متر از ساحل دشمن را آب فرامی‌گیرد که در زمان مد کامل بعضی از نقاط تا ۸۰۰ متر زیر آب می‌رود.^(۵)

جزرومد

وضعیت آب در رودخانه اروندرود که تیپ ۳۳ المهدی (عج) می‌بایست پس از عبور از آن وارد عمل می‌شد، ویژگی‌های خاصی داشت. عرض زیاد رودخانه از خط خودی تا ساحل دشمن، شدت امواج آب، عمق دهانه و... که بستگی به چگونگی جزرومد دارند، از جمله مشکلاتی بودند که یگان‌های دیگر با آن مواجه نبودند. جعفر اسدی فرمانده تیپ، در این باره می‌گوید: «منطقه وضعیتش عجیب است، بعضی مواقع رودخانه در یک جایش مد است، جلو می‌روی جزر، دوباره می‌روی می‌شود مد.»

صالح از مسئولان اطلاعات تیپ نیز وضعیت جزرومد را این‌گونه توصیف می‌کند: «در منطقه وضعیت خاصی داریم، موقعی که جزر است شدت آب زیاد است، موقعی که مد است خیلی از نهرها پر از آب است. خیلی تلاش کردیم، تقریباً هر شب داریم [تلاش می‌کنیم]، ولی در خیلی از موارد به ساحل دشمن نتوانستیم برسیم. جزرومد روی قطب‌نما اثر دارد. اگر با کانو بخواهیم به طرف خور عبدالله برویم،

گم می‌شویم.»

منطقه محول‌شده به تیپ المهدی (عج) مشخصه‌ها و ویژگی‌هایی داشت که سایر مناطق یا فاقد آن بودند یا حد پایین‌تری از آن را داشتند، از جمله: عریض بودن رودخانه (حدود ۲ کیلومتر)، شدیدتر بودن جریان آب، عریض‌تر بودن منطقه باتلاقی در طرفین و اختلاف زمان جزرومد با منطقه بالایی که عبور از رودخانه را مشکل کرده بود.^(۶)

حسین علایی فرمانده قرارگاه نوح نیز وضعیت تیپ را برای عمل در این منطقه دشوار توصیف کرده، می‌گوید: «اسدی، کارش خیلی مشکل است، فاصله‌اش زیاد است.»^(۷)

سابقه و وضعیت تیپ مستقل ۳۳ المهدی (عج)

تیپ مستقل ۳۳ المهدی (عج) در اوایل جنگ تحمیلی تأسیس شده و در عملیات‌های گوناگون از جمله خیبر، بدر، قادر و والفجر ۸ شرکت کرده و تجارب نظامی خوبی به دست آورده است. در جلسات قرارگاه‌ها اغلب به‌عنوان یک یگان رزمی خوب روی این تیپ حساب باز می‌کردند. این تیپ در عملیات والفجر ۸ به‌همراه لشکرهای فجر و ثارالله تحت امر قرارگاه نوح (محور جنوبی) قرار گرفت.^(۸)

برخورد‌های نسبتاً سنجیده و جدید و نفوذ معنوی فرمانده تیپ از عوامل مؤثر در حل و فصل امور بوده و در غیبت او به‌دلیل وجودنداشتن تشکیلات لازم و کادری کارآزموده، کارها معمولاً کند پیش می‌رفته است.

در عملیات والفجر ۸، دو مأموریت به تیپ ۳۳ المهدی (عج) واگذار شد. گزارش حاضر شرح وظایف و عملکرد یگان مذکور در این عملیات است که به‌تفکیک در دو بخش مستقل (مأموریت اصلی و مأموریت جدید) ذکر خواهد شد.^(۹)

باتوجه‌به اینکه یگان مدت زیادی در موقعیت‌های پدافندی قرار داشت، نیروها پس از دوره آموزش

- و عرض ۵ کیلومتر، آماده مأموریت جدید باشد. اهداف خودی در این عملیات عبارت بودند از:
۱. آزادسازی نزدیک به ۳۵ کیلومتر از اراضی دشمن.
 ۲. پاک‌سازی کامل رأس‌البیشه تا هاورکرافت‌ها و شناورهای سنگین خودی در اسرع وقت بتوانند پهلو بگیرند و تدارکات و مهمات نیروها را پیاده کنند.
 ۳. ممانعت از هلی‌برن احتمالی دشمن.
 ۴. جلوگیری از تحرکات و تهدیدهای احتمالی دشمن.

خط یگان قبل از عملیات

همه واحدهای تیپ قبل از عملیات در کناره اروند حدفاصل بین نه‌های نشمین تا قاسمیه مستقر شده بودند. تمامی وسایل تدارکاتی و تسلیحاتی نیز از ۱۳۶۴/۱۱/۱۵ الی ۱۳۶۴/۱۱/۱۸ به دستور فرماندهی به این منطقه هدایت شد. در این محدوده کلاً ۱۰ نفر عمیق و نسبتاً طولانی وجود دارد که مسئولان یگان، دو نفر پرآب علم و حاج محمد را - که دارای ۳ متر عمق، ۱۰۰ متر عرض (در زمان مد کامل) و ۲ کیلومتر طول از جاده عرضی تا اروند هستند - برای عبور در نظر گرفتند.

عمومی در پادگان امام خمینی اهواز آموزش‌های عملی و فشرده‌ای شامل قایقرانی، شنا، غواصی، ش.م.ر، رزم شبانه و... را گذرانده بودند. همچنین یک مانور آمادگی در بهمن‌شیر انجام شد که نتیجه آن موفقیت‌آمیز بود و تأثیر مطلوبی بر اعتماد به نفس و روحیه نیروها گذاشت.^(۱۰)

ابلاغ مأموریت و خط حد

پس از ابلاغ مأموریت‌های متعدد در مناطقی مانند هور، خرمشهر و... در نهایت، از طرف قرارگاه نوح به تیپ اعلام شد که در حد فاصل بین نه‌های نشمی تا قاسمیه، در منطقه خودی مستقر شده، از انتهای رأس‌البیشه تا نه‌ابن علیوی (ابوعلی) در منطقه دشمن را شناسایی کند تا پس از دستور قرارگاه خاتم در مجاورت یگان‌های دیگر وارد عمل شود.

مأموریت تیپ ۳۳ المهدی (عج) در عملیات والفجر ۸ این بود که از رأس‌البیشه تا نه‌العماری (عراق) تک کرده، خود را به خور کوچک اولی برساند و سپس اقدام به پاک‌سازی و ایجاد مواضع خود کند؛ یعنی پس از آزادسازی و تثبیت اراضی دشمن به طول ۶/۵



ستون نیروهای خودی در حال عبور از کنار تاسیسات نفتی شهر فاول - منطقه عملیاتی والفجر ۸.

برنامه‌ریزی کنند.^(۱۲) اطلاعات عملیات تیپ دو محور حلی ۱ (راست) و حلی ۲ (چپ) را برای شکستن خط و عبور نیروها در نظر گرفته بود. شناسایی‌ها اغلب به دلیل تسلط دشمن به منطقه در تاریکی شب انجام می‌شد. در شب‌های مهتابی به دلیل احتمال هوشیاری دشمن امکان شناسایی به حداقل می‌رسید. شناسایی در محدوده مشخص شده برای تیپ تابع وضعیت جوی بود و به دلیل جزرومد شدید و دائمی آب در اغلب اوقات با موفقیت همراه نبود. در همین خصوص مسئول اطلاعات عملیات می‌گوید: «باتوجه به اینکه منطقه ما با تمام مناطق اینجا فرق می‌کند، آب در منطقه ما هیچ‌گونه سکونی ندارد و همیشه یا در حال جزر است یا در حال مد ... ما حدوداً ۵۰ بار برای شناسایی رفتیم که ۳۰ موردش بدون آنکه دستمان به هدف برسد، به دریا رفتیم و یا به ساحل خودی آمدیم.»^(۱۳)

بنابراین، باتوجه به عواملی مانند؛ جزرومد شدید آب که امکان موفقیت در شناسایی‌ها را به ۳۰ درصد کاهش می‌داد، وسعت رودخانه به خصوص در قسمت دهانه که ۱/۵ کیلومتر عرض داشت و همچنین وجود گل‌ولای و باتلاق‌های وسیع که حرکت نیروها را با مشکل مواجه می‌کرد، اطلاعات عملیات تیپ موفق به شناسایی در عمق نشد، ولی شناسایی مواضع و موانع دشمن تا خط مقدم به‌طور کامل انجام شد.

موانع و استحکامات دشمن

ارتش عراق براساس راهبرد پدافندی در پیش گرفته پس از عملیات بدر، مبادرت به ترمیم و تکمیل مواضع خود در غرب رودخانه اروند از مقابل جزیره ام‌الرصاص تا رأس‌البیشه کرد. در این منطقه مواضع دشمن جهت ممانعت از نفوذ نیروی پیاده، عبور قایق و هاورکرافت و نیز پهلوگرفتن شناورهای

همچنین نخلستان‌ها - که عامل مؤثری در استتار عقبه خودی است - با طول ۴ الی ۷ کیلومتر و عمق ۶ کیلومتر در این محدوده گسترش یافته‌اند.^(۱۱)

استعداد یگان

تیپ ۳۳ المهدی (عج) در آستانه مأموریت اول خود ۴۰۰۶ نفر نیرو در اختیار داشت که نیمی از آنها در گردان‌های رزمی و نیمی دیگر در واحدهای پشتیبانی سازماندهی شده بودند. ۶۸۴ نفر از این نیروها سپاهی و ۱۲۱۰ نفر مشمول و بقیه از نیروهای بسیج بودند.

سازمان رزم تیپ در آستانه عملیات از ۵ گردان به شرح زیر تشکیل شده بود که ۴ گردان عمل‌کننده و یک گردان احتیاط بود: گردان کمیل ۲۹۴ نفر؛ گردان فجر ۲۶۰ نفر؛ گردان مالک ۱۰۰ نفر؛ گردان الفتح ۲۸۶ نفر؛ گردان ابوذر ۲۱۶ نفر.

شناسایی

کار شناسایی عملیات والفجر ۸ تقریباً از نیمه دوم آبان‌ماه توسط نیروهای اطلاعات عملیات

تیپ که در گروه‌های متعدد برای تک در محورهای گوناگون سازماندهی شده بودند، آغاز شد.

از آنجا که نیروهای واحد اطلاعات عملیات تیپ مکالمات دشمن را که غالباً بدون کد و رمز با یکدیگر تماس می‌گرفتند با بی‌سیم شنود می‌کردند، تعداد یگان‌ها و نیروهای دشمن در منطقه، نوع و میزان تجهیزات، زمان و مدت مرخصی نیروها، همچنین میزان آگاهی آنها را در شناسایی‌ها، زمان و مکان حمله یگان‌های خودی و ... به دست آورده بودند؛ بنابراین، با تسلط و اعتماد بیشتری توانستند برای انهدام دشمن

مأموریت تیپ ۳۳ المهدی (عج) در عملیات والفجر ۸ این بود که از رأس‌البیشه تا نهر العماری (عراق) تک کرده، خود را به خور کوچک اولی برسانند و سپس اقدام به پاک‌سازی و ایجاد مواضع خود کنند.



طرح مانور

قرارگاه نوح فرماندهی محور جنوبی جبهه عملیات و تصرف سایت‌های موشکی ساحل به دریا و نیز تصرف منطقه رأس البیشه و تأمین جاده ساحلی ام‌القصر و ساحل خور عبدالله را برعهده داشت. از سوی دیگر، این قرارگاه مأموریت پدافند در مقابل حمله احتمالی دشمن از طریق دریا و نیز پشتیبانی عملیات با کمک شناورهای سنگین را پذیرفته بود. پس از اجرای این مأموریت، قرار بود این قرارگاه خط دفاعی خود را در اطراف محور جاده فاو - ام‌القصر تا دریاچه نمک تشکیل دهد و در برابر پاتک‌های دشمن از این سو پدافند کند.^(۱۹)

البته، حالت دیگری در طرح مانور در نظر گرفته شده بود که در صورت دست‌نیافتن به منتهی‌الیه منطقه خور عبدالله، تیپ المهدی باید با توجه به کم‌عرض بودن منطقه‌اش در شب اول کار را تمام می‌کرد و لشکرهای ثارالله و فجر هماهنگ با هم در شب اول به جاده آسفالت می‌رسیدند.^(۲۰)

موضوع دیگری که کل طرح

مانور قرارگاه را با مشکل اساسی مواجه کرده بود در نظر گرفتن موفق‌نشدن تیپ المهدی^(عج) در عبور از رودخانه، ناکامی‌اش در رسیدن به سرپل‌ها و بالا بودن تلفات نیروها بود که راه‌حل‌های زیر در بررسی این مشکلات مطرح شد:

۱. حمله به خطوط دشمن از پشت سر و از طریق خور عبدالله با استفاده از خشایار.
۲. حمله به خط از طریق منطقه ثارالله.
۳. حذف تیپ المهدی^(عج) به‌عنوان یگان خط‌شکن و به‌کارگیری آن به‌عنوان نیروی احتیاط قرارگاه.

سنگین طراحی شده بود.^(۱۴)

عراق علاوه بر موانع طبیعی (رودخانه، باتلاق و چولان و...)، سنگرها و موانع مصنوعی متنوع و متعددی ایجاد کرده بود. حد فاصل سنگرهای دشمن تا آب از چولان و گل‌ولای تشکیل شده و در مناطق مختلف متفاوت بود. بیشترین فاصله در منطقه تیپ المهدی^(عج) و حدود یک کیلومتر بود. دشمن علاوه بر مین‌گذاری، این فاصله را ۶ ردیف موانع خورشیدی و هشت‌پری با ترکیبی از سیم‌خاردهای حلقوی - رشته‌ای و فرشی پشت سرهم چیده بود تا از حرکت قایق‌ها جلوگیری کند.^(۱۵)

موانع دشمن قبل از شروع خط اول، نیروهای کمین و مین‌های منور تعبیه شده بود. پس از آن، سنگرهای انفرادی و تجمعی قرار گرفته بود که به سلاح‌های چهارلول، تک‌لول، دولول و تیربار مجهز بودند. در خطوط بعدی که بیشتر مقرهای گروهان، گردان و تیپ بود، عموماً سلاح‌های ضد هوایی به کار گرفته شده بود و از سلاح‌های تیربار فقط برای حفاظت مقر استفاده می‌شد.^(۱۶)

ارتش عراق همچنین احداث جاده‌ای بسیار پهن را از رأس البیشه به طرف شمال شروع کرده بود - که نیمه‌تمام ماند - تا بتواند در پشت این جاده مواضع مستحکمی بسازد و نقش اصلی را در خصوص اروند بازی کند. در ساحل خور عبدالله، چند ماه قبل از عملیات، دشمن خاکریز جدیدی به ارتفاع ۱/۵ الی ۲ متر احداث کرد و روی آن سنگرهای پیش‌ساخته بتونی برای تیربار، کمین و تجمع نفرات قرار داد که سنگرهای تیربار کاملاً مشرف بر دریا بودند. یک جاده سراسری نیز از نخلستان و فاو می‌گذشت و تا خور عبدالله امتداد می‌یافت. ارتش عراق تا آخر نخلستان به طرف اروند خط پدافندی داشت.^(۱۷)

عراق همچنین دیوار دفاعی جدیدی را از جزایه تا فاو احداث کرده بود که در تبلیغات خود آن را "حصون" می‌نامید.^(۱۸)

در شب‌های مهتابی به دلیل احتمال هوشیاری دشمن امکان شناسایی به حداقل می‌رسید. شناسایی در محدوده مشخص شده برای تیپ تابع وضعیت جوی بود و به دلیل جزرومد شدید و دائمی آب در اغلب اوقات با موفقیت همراه نبود.



مخازن و تانک فارم‌های تأسیسات نفتی شهر فاو- منطقه عملیاتی والفجر ۸

کرده، آماده باشند که هم‌زمان با یگان‌های دیگر پس از دستور قرارگاه، خط اول دشمن را بشکنند تا گردان‌ها بتوانند مأموریت خود را انجام دهند.

نیروهای غواص مجموعه‌ای از نیروهای رزمی گردان‌های تخریب و اطلاعات عملیات بودند که به دو گروه تقسیم می‌شدند که یکی در محور راست و دیگری در محور چپ وارد عمل می‌شد. شکستن خط و استقرار در خط اول و دوم از جمله وظایفی بود که برای غواص‌ها در نظر گرفته شده بود.^(۳۲)

علاوه بر نیروهای غواص، قرار بود ۲۰۰ نفر از نیروها (در هر محور ۱۰۰ نفر) برای کمک و پشتیبانی آنها عبور کرده، با هم به خط بزنند. بدین ترتیب، تعداد نیروهایی که در منطقه عملیاتی تیپ المهدی (عج) اقدام به شکستن خطوط مقدم دشمن می‌کردند، به یک گردان می‌رسید.

گردان کامل با استعداد ۲۹۴ نفر مأموریت داشت بعد از شکستن خط توسط غواص‌ها در محور راست، با قایق‌هایی که یگان دریایی فراهم کرده بود نیروهای خود را به غواص‌ها برساند و پس از پاک‌سازی در خط اول و دوم مستقر شود و با نیروهای لشکر ثارالله

با وجود تردیدها و ابهامات موجود در طرح مانور تیپ المهدی (عج) و اصرار فرماندهان عالی جنگ بر عمل کردن این یگان، در نهایت قرار شد تیپ المهدی (عج) از منطقه خودش وارد عمل شود و اگر با مشکل مواجه شد از منطقه ثارالله عبور کند. البته، در خصوص چگونگی، تقدم و تأخر یگان‌ها و استفاده از نهر مناسب هماهنگی انجام نشده بود.

تلاش اصلی در طرح مانور قرارگاه نوح، لشکر ثارالله بود که می‌بایست با یک تک رخنه‌ای در وسط یگان‌ها به خط می‌زد و لشکر ۱۹ فجر و تیپ المهدی (عج) تلاش‌های طرفینی بودند که با تاکتیک رخنه‌ای به چند نقطه از خط می‌زدند و در صورت موفقیت آنجا را گسترش می‌دادند. قرارگاه براساس همین طرح، مانور خود را اجرا کرد.^(۳۱)

در مجموع، نیروهایی که تیپ ۳۳ المهدی (عج) برای این عملیات در نظر گرفته بود، شامل ۵ گردان می‌شد که هر گردان ۴۰ نیروی غواص داشت. قرار بود غواص‌ها در هر یک از دو محور با علامت‌هایی خبر عبور خود را به اطلاع فرماندهان خود برسانند و سپس مقدمات سقوط خط اول دشمن را فراهم

در سمت راست الحاق کند.

تلاش‌های واحد مهندسی و بهداری

واحد مهندسی در این عملیات وظیفه داشت پس از خط اول و دوم، ۳ خاکریز در جناح راست و جناح چپ و بین دو جناح به طول دو کیلومتر ایجاد کند. آماده‌کردن سطوحها، انتقال ۱۲ اسکله سیار به ساحل دشمن، تهیه ورتورگ برای کشیدن شناورها، تشکیل یک گروه ویژه برای راه‌اندازی وسایل مهندسی که به غنیمت گرفته می‌شدند و مسئولیت کل ترابری یگان از دیگر وظایف این واحد بود.

به‌طور کلی مهندسی تیپ از یک‌سو وضعیت خوبی نداشت (از نظر وسایل) و از سوی دیگر، زمانی عقبه‌سازی را شروع کرده بود که همه واحدها نیاز به اقدامات مهندسی داشتند. به همین دلیل، با وجود همکاری فعال جهاد مازندران که به یگان مأمور شده بود، تقریباً هم‌زمان با آغاز عملیات کارهای اساسی مهندسی اعم از: راه و اسکله‌سازی، آماده‌سازی مواضع تانک، پدهای اورژانس، خمپاره و قبضه‌های ادوات، سوله و سنگرسازی و... به پایان رسید.^(۲۵)

واحد بهداری یگان که معروف به گردان رزمی تیپ بود، متشکل از ۴ گروهان بود:

۱. گروهان پدافندی ش.م.ر. که رساندن کمک‌های اولیه به مصدومان، پاک‌سازی مناطق آلوده و امور مربوط به مسمومیت‌های شیمیایی را برعهده داشت.
۲. گروهان پشتیبانی و امداد که تخلیه مجروحان به پست‌های امداد پشت جبهه را برعهده داشت.
۳. گروهان بهداشت و درمان که بر امور بهداشتی منطقه، تغذیه و... نظارت داشت.
۴. گروهان امداد و درمان متشکل از پزشکیاران و بهیاران عملیاتی و عادی که تأمین نیازهای درمانی مجروحان و فوریت‌های پزشکی را برعهده داشت.

تردید درباره میزان موفقیت عملیات

درخصوص عملیات دو تحلیل کاملاً متضاد در بین مسئولان تیپ وجود داشت. فرمانده عملیات باوجود

گردان ابوذر با ۲۱۶ نفر مأموریت داشت جاده‌های آنتنی دشمن را - که بعد از جاده ارضی قرار داشتند به‌طرف منازعه‌ای که از دور مشخص بود، به‌علاوه محدوده باز پشت نخلستان تا کنار خور عبدالله پاک‌سازی و تثبیت کرده، سپس با نیروهای لشکر ثارالله در جناح راست و نیروهای خودی در جناح چپ الحاق کند.

گردان فجر نیز باید هم‌زمان با محور راست، پس از شکستن خط توسط غواص‌ها، نیروهای خودی را با قایق‌هایی که در اسکله نهر حاج محمد مستقر شده بودند، به ساحلی در محور چپ می‌رساند و پس از انهدام نیروها و سنگرهای دشمن منطقه را به‌طرف رأس و دهانه اروند پاک‌سازی می‌کرد.^(۲۳)

گردان الفتح با استعداد ۲۸۶ نفر مأموریت داشت پاک‌سازی محدوده رأس را کامل کند و سپس از کناره خور عبدالله به‌طرف راست حرکت کند تا به نیروهای محور راست برسد و با آنها الحاق کند.

گردان مالک که بیشتر نیروهایش پایان خدمت گرفته و ترخیص شده بودند، با استعداد نزدیک به ۱۰۰ نفر، احتیاط خط‌حد تیپ المهدی (عج) بود که درصورت بروز مشکلاتی برای گردان‌های دیگر و کمبود نیرو از این نیروها استفاده می‌شد.

یگان دریایی نیز وظیفه داشت علاوه بر قایق‌هایی که به گردان‌ها مأمور کرده بود، حمل و نقل تدارکات و مهمات همه گردان‌ها را انجام دهد و اگر قایق‌های مانور دچار سانحه شدند نیروها را در اسرع وقت به ساحل دشمن برساند و قایق‌های دیگری را جایگزین آنها کند.

ادوات هم با ۹ قبضه سلاح منحنی (۳ قبضه خمپاره ۱۲۰، ۳ قبضه موشک ۱۰۷، ۳ قبضه خمپاره ۸۱) و ۲۱ قبضه سلاح مستقیم (۷ قبضه تفنگ ۱۰۶ و تفنگ ۸۲، سه سکوی پرتاب موشک مالیوتکا، ۷ قبضه دوشکا) موظف بود در هر نقطه از خط حد یگان که نیاز بود اجرای آتش کند.^(۲۴)

مطرح شده در قرارگاه را جز از افراد مورد اعتماد باور نمی‌کرد، اما در عمل چنین می‌پنداشت که قرارگاه خاتم در اروند کنار برای فریب دشمن اقدام به کار مهندسی کرده است و قصد عملیات ندارد. چنان‌که فرماندهی قرارگاه نوح در این باره به محسن رضایی فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص)، می‌گوید: «اسدی شروع کرده و الآن سخت مشغول است. فعلاً هم در منطقه است، ما به اسدی می‌گفتیم [عملیات است] باور نمی‌کرد و می‌گفت طرح فریب است.»^(۲۷)

سرانجام، حدود یک ماه قبل از عملیات، فرماندهی و مسئولان تیپ اقدام به فراهم کردن امکانات و نیروها کردند و در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۹ یک روز قبل از عملیات همه واحدهای این یگان آماده عملیات شدند.

آماده‌باش، توجیه و انتقال نیروها

به دلیل مشخص نبودن زمان دقیق حمله، در سه مرحله پیاپی از یگان‌ها خواسته شد آمادگی خود را به اطلاع قرارگاه برسانند. فرماندهی قرارگاه از تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۲ با اعلام آماده‌باش صددرصد، دستور داد هیچ‌کس حق خروج از منطقه را ندارد. در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۹ نیز به نیروها دستور استراحت کامل برای عملیات ابلاغ شد.^(۲۸)

به‌طور کلی، به‌جز نیروهای عمل‌کننده یگان که قبل از آماده‌شدن منطقه آموزش‌های عمومی و تخصصی را گذرانده بودند، همه واحدهای یگان از یک هفته تا روز قبل از عملیات امکانات لازم را فراهم کرده، آماده نبرد شدند.

نیروها طبق دستور قرارگاه سه شب قبل از عملیات پس از توجیه توسط فرماندهی، با کامیون به عقبه تیپ (چوبیده) منتقل شدند. برای توجیه نیروهای عمل‌کننده از اسلاید، فیلم و ماکت استفاده شده بود، ولی در رده‌های مختلف فرماندهی طبق دستور قرارگاه آنها را به منطقه می‌آوردند که از روی دکل‌ها، عکس‌های هوایی، نقشه و کالک توجیه شوند.

اینکه هنگام توجیه نیروها به آنها روحیه می‌داد و تأکید می‌کرد که: «برای ما یقین حاصل شده است که شما هدف نهایی را که ما در نظر داریم خواهید گرفت. برادران علاوه بر امکانی که فتح می‌شود، باید خاطرات تلخ حملات گذشته (خیبر و بدر) را نیز جبران کنند. این عملیات به مراتب مشکل‌تر از عملیات بدر است؛ لذا برادران تمام توان خودشان را بگذارند»، درباره شکسته شدن خط دشمن چنین اظهار نظر می‌کرد: «به‌عنوان کسی که از ابتدای جنگ در رکاب این

برادران رزمنده بوده و مسائل را از نزدیک مشاهده کرده، خوب برآورد می‌کردیم ... به حساب‌های مادی به یقین می‌رسیدیم که کسی خودش را نمی‌تواند به دشمن برساند و دشمن موانع را چنان رده‌برده چیده، آنچنان سد کرده که آن کسی که می‌رود تا بخواهد برساند خودش را به سنگرهای تیربار از پا درآمده، توی گل‌ها گیر کرده، توی چولان‌ها مانده و... یا شهید است یا مجروح.»^(۲۹)

مسئول طرح و عملیات و دیگر مسئولان نیز با تعبیر

مشابهی که به کار می‌بردند، وضعیت منطقه را مناسب ایستادن و در نتیجه اجرای عملیات نمی‌دانستند. در این میان، قنبری مسئول ادوات تیپ، از جمله مسئولان خوش‌بین به موفقیت در عملیات بود و می‌گفت: «... در این قسمت احتمال دارد که دشمن توانایی خودش را تقویت کند و توانایی پیدا کند ما را عقب بزند، مشروط بر اینکه ما خلوص در کار و اعتقاد به خداوند و نصرت خداوند داشته باشیم.»

فرماندهی در برخورد با نیروها همواره به آنها وعده پیروزی قطعی و موفقیت می‌داد و موضوعات

تلاش اصلی در طرح مانور قرارگاه نوح، لشکر ثارالله بود که می‌بایست با یک تک رخنه‌ای در وسط یگان‌ها به خط می‌زد و لشکر ۱۹ فجر و تیپ المهدی (عج) تلاش‌های طرفینی بودند که با تاکتیک رخنه‌ای به چند نقطه از خط می‌زدند و در صورت موفقیت آن را گسترش می‌دادند.

موجب اختلال در عبور غواص‌ها، نیروها و امکانات می‌شد. در شب اول عملیات فقط یک نفر از غواص‌ها توانست به موقع (بعد از ۲ ساعت) خود را به ساحل دشمن برساند و بقیه یا برگشتند یا ساعت‌ها گرفتار جریان‌های متفاوت آب بودند تا سرانجام نیروهای محور چپ در قسمت‌های پایانی رأس‌البیشه در دهانه و نیروهای محور راست در محدوده لشکر ثارالله به ساحل رسیدند و فرماندهی تا روز بعد از سرنوشت آنها بی‌اطلاع بود.^(۳۱)

غواص‌های تیپ ۳۳ المهدی^(عج)

تحلیل فرماندهی این بود که دشمن از ضعف‌های عملیات خیبر و بدر دچار غرور شده است و یقین دارد که ما نمی‌توانیم از ارونند عبور کنیم و به دلیل آنکه در جزابه از ما اسیر گرفته است، باتوجه به شلوغی‌های هور، به‌رغم مشاهده تحرکات شبانه‌روزی ما واکنشی نشان نمی‌دهد.

به‌طور هم‌زمان از دو نهر ابتر (محور چپ) و نشمی (محور راست) به‌سوی ساحل دشمن حرکت کردند. پس از گذشت یک ساعت و نیم درحالی‌که همه غواص‌های یگان‌های مجاور به خط دشمن رسیده بودند، فرمانده محور چپ* در تماسی اعلام کرد: «غواص‌ها در گرداب‌های ناشی از جزرومد شدید آب گرفتار شده‌اند، امواج آب طناب را از دست آنها گرفته و به پای آنها پیچیده و با سرعت زیاد به سمت دریا برده

می‌شوند.» پس از لحظاتی، فرمانده محور راست** نیز طی تماسی گفت: «غواص‌ها در اثر جزرومد شدید آب از خط حد یگان خارج شده و به‌طرف شمال ارونند در حرکت‌اند.» در ساعت ۲۱:۵۰ درحالی‌که فقط چند ساعت به آغاز عملیات باقی مانده بود، تماس غواص‌ها با فرماندهان هر دو محور قطع شد

* فرمانده محور چپ تیپ ۳۳ المهدی^(عج) در این عملیات، سیدحسین اسلامی بود که در ادامه عملیات به شهادت رسید.
** فرمانده محور راست تیپ ۳۳ المهدی^(عج) در این عملیات، حاج اکبر رحمانیان بود که وی نیز در ادامه عملیات به شهادت رسید.

تحلیل فرماندهی این بود که دشمن از ضعف‌های عملیات خیبر و بدر دچار غرور شده است و یقین دارد که ما نمی‌توانیم از ارونند عبور کنیم و به‌دلیل آنکه در جزابه از ما اسیر گرفته است، باتوجه به شلوغی‌های هور، به‌رغم مشاهده تحرکات شبانه‌روزی ما واکنشی نشان نمی‌دهد. بنابراین، ما باید فرصت را مغتنم دانسته، با دقت فراوان دشمن را غافلگیر کنیم.

شرح عملیات مرحله اول عملیات

روز بیستم بهمن‌ماه برخوردها، جلسات و صحبت‌ها حالت ویژه‌ای یافته بود؛ بدین‌ترتیب که فرمانده قرارگاه نوح آخرین جلسات را با فرماندهان یگان‌ها برگزار کرد و آخرین وضعیت یگان‌ها را جویا شد و سفارش‌هایی در زمینه‌های مختلف به آنان کرد از جمله: توکل به خدا، حفظ ارتباط در تمامی لحظات، انتخاب معاونان اول و دوم و سوم در همه رده‌ها و استفاده از فرصت و تلاش برای اینکه امشب کار تمام شود. در پایان جلسه، رزمندگان یکدیگر را در آغوش گرفتند و برای هم آرزوی موفقیت و توفیق شهادت و شفاعت کردند. البته، آنان دلهره و نگرانی هم داشتند؛ مبدا این عملیات هم به سرنوشت بدر و خیبر دچار شود!^(۲۹)

براساس مرحله‌بندی طرح‌ریزی‌شده، در این مرحله، نیروها می‌بایست ضمن عبور از رودخانه و شکستن خط اول دشمن به پاک‌سازی سرپل به‌دست‌آمده از عراقی‌ها با کمک نیروهای ویژه غواص می‌پرداختند.^(۳۰) در شب عملیات، قرارگاه ساعت معینی را برای عبور یگان‌های عمل‌کننده در نظر گرفته بود (ساعت ۱۰:۰۰ شب)، ولی این ساعت برای تیپ ۳۳ المهدی^(عج) که در دهانه عمل می‌کرد اصلاً مناسب نبود، زیرا ابتدای مد بود و آب دهانه در لحظات آغازین مد در حالت‌های متفاوت به جهت‌های مختلف حرکت می‌کند؛ شدت جریان آب زیاد است و معمولاً طوفان‌ها به دهانه منتقل می‌شود. در مجموع، این عوامل و موانع

تیپ المهدی (عج) وارد عمل شده بود، متحمل تلفات زیادی شد. نیروهای باقیمانده هم انسجام خود را از دست دادند؛ گروهی به طرف لشکر ثارالله رفتند در مخمسه افتادند، بقیه نیز در وسط، زمین گیر شدند. از آنجا که دشمن استحکامات و مقرهای زیادی داشت، پاک‌سازی تا صبح فردا ادامه یافت.

در محور تیپ المهدی (عج) بعد از پاک‌سازی خط اول، حادثه‌ای پیش‌بینی‌نشده رخ داد. گروهی از رزمندگان غواص این تیپ که به دلیل شرایط نامساعد دهانه داخل اروند از محوری دیگر عبور کرده و خط را شکسته بودند، هدف تیربار کماندوهای دشمن که در بالای کشتی به گل‌نشسته‌ای کار گذاشته شده بود و به منطقه احاطه داشت، قرار گرفتند و پیشروی‌شان سد شد و این امر به یک موضوع حاد در منطقه قرارگاه نوح تبدیل گردید.^(۳۳) البته، یک تیربار دیگر هم روبه‌روی نهر معاتج قرار داشت که برای تیپ ۳۳ المهدی (عج) مزاحمت ایجاد کرد. این مشکل تا فردای عملیات حل نشد، تا اینکه برادر علایی (فرمانده قرارگاه نوح) از قرارگاه خاتم برای خاموش کردن آن درخواست بالگرد کرد. علت بروز این مشکل این بود که اسدی فرمانده تیپ، اعتقاد چندانی به نقش تانک نداشت؛ بنابراین بیشتر وقت و توان یگان صرف احداث جاده شده بود و فرصت نیافته بود که مواضع تانک‌هایش را تکمیل کند.

سرانجام، با استفاده از محور چپ که تا کناره خور عبدالله پاک‌سازی شده بود، استحکامات دشمن درهم شکست و الحاق نهایی با لشکر ثارالله نیز که در جناح راست عمل می‌کرد، انجام شد.

عامل دیگر در تأخیر پاک‌سازی، نخلستان‌های انبوه منطقه بود که تا یک هفته بعد از تسلط نیروهای خودی نیز هر روز از نخلستان اسیر بیرون می‌آمد و شاید تنها عامل مؤثر بعد از الطاف خداوند و تلاش نیروها، اقدام عراق در بمباران شیمیایی منطقه بود که موجب شد نیروهای عراقی، گروه‌گروه از نخلستان‌ها

و از محور چپ، یکی از غواص‌ها خودش را به فرماندهی رساند و خبر داد که بچه‌ها گفته‌اند فعلاً به امید ما نباشید و برای عملیات چاره‌ای بیندیشید. با پیام غواص‌ها، نیروهای حاضر در سنگر فرماندهی مهوت و مأیوس شده و از اتخاذ تصمیم عاجز مانده بودند. پس از ۴۰ دقیقه، فرماندهی دو دسته زبده از نیروهای تخریب و رزمی را برای شکستن خط در نظر گرفت. این نیروها به‌وسیله چند فروند قایق به ساحل دشمن منتقل شدند تا پس از عبور از سنگرهای کمین و موانع مأموریت خود را انجام دهند.^(۳۴)

شکستن خط، پاک‌سازی و الحاق با یگان مجاور

درحالی‌که هنوز مشکل تیپ المهدی (عج) حل نشده بود، یکی از محورها را آب برده و از محور دیگر هنوز خبری نبود و قرارگاه کربلا مرتب اعلام آمادگی می‌کرد. در ساعت ۲۲:۱۵، فرمانده قرارگاه دستور حمله و شروع عملیات را به یگان‌ها بدین ترتیب صادر کرد: «بسم الله الرحمن الرحیم، لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم، قاتلوهم یعذبهم الله بالهیم، یا فاطمه الزهرا»

درپی صدور فرمان حمله، حال‌وهوایی خاص و توصیف‌نشده بر سنگرها حاکم شد؛ صدای گریه، نماز، دعای توسل و قرآن از سنگرها به گوش می‌رسید.

سرانجام، انتقال نیروهای تیپ المهدی (عج) در ساعت ۲۲:۲۰ به پایان رسید و دشمن در موج اول نتوانست قایق‌ها را منهدم کند و درنهایت، رزمندگان موفق شدند در ساعت ۲۲:۵۵ در محور چپ و در ساعت ۲۳:۰۷ در محور راست با دشمن درگیر شوند. بعد از مشکلاتی که برای غواص‌ها پیش آمد و خط با تلاش نیروهای رزمی گردان‌ها شکسته شد، برنامه اولیه تقریباً به‌هم ریخت و به‌کارگیری نیروها با کمیت و کیفیت قبلی دیگر ممکن نبود. لذا گردان کمیل که در محور راست منطقه عملیاتی

بیرون بیایند و تقسیم شوند.

لشکر ۴۱ ثارالله بعد از پاکسازی و رسیدن به همه اهداف، با توجه به نیاز کل منطقه به وسایل سنگین مهندسی که باید از منطقه تیپ المهدی (عج) - که هنوز پاکسازی نشده بود - به سایر نقاط می‌رسید، به کمک تیپ المهدی (عج) در طرف چپ آمد و در ساعت ۱۱:۰۰ روز ۱۳۶۴/۱۱/۲۱، جلسه‌ای بین یگان‌های ثارالله و المهدی (عج) با حضور آستانه (معاون طرح و عملیات قرارگاه نوح) برگزار شد تا هماهنگی لازم برای اتمام کار در منطقه تیپ المهدی (عج) (رأس البیشه) و الحاق یگان‌ها انجام شود.^(۳۴)

بنابراین، لشکر ۴۱ ثارالله با کمک تیپ ۳۳ المهدی (عج) تا قبل از ظهر ۱۳۶۴/۱۱/۲۱ موفق به پاکسازی محور چپ عملیات - منطقه رأس البیشه تا شهر فاو - شدند و دو گروهان از نیروهای دشمن که از موفقیت نیروهای خودی در عبور از اروند متحیر شده بودند و توان و روحیه جنگیدن با نیروهای خودی را نداشتند، برای نجات جان خود قصد فرار از کناره خور عبدالله را داشتند که به اسارت نیروهای لشکر ثارالله درآمدند و در نتیجه وسایل زیادی از آنان به غنیمت گرفته شد،

اما مقاومت تیربار دشمن همچنان ادامه داشت.^(۳۵)

موضوع مقاومت تیربار دهانه اروند، تا ظهر روز ۱۳۶۴/۱۱/۲۲ در منطقه تیپ المهدی (عج) همچنان حل نشده باقی مانده بود که ساعت ۱۱:۴۶ این روز، فرمانده تیپ اعلام کرد پاکسازی کامل منطقه به پایان رسیده است. مشکل تیپ مانند اکثر یگان‌های دیگر جاده وسط نخل‌ها بود که مقرر فرماندهی گردان و تیپ ارتش عراق در آنجا استقرار داشت و پاکسازی آن دو روز طول کشید. در روز سوم عملیات، همه یگان‌ها در کنار خور عبدالله مستقر شدند.

در مجموع، در این مرحله از عملیات، منطقه رأس البیشه عراق که از طرف شمال به اروندرود، از جنوب به خور عبدالله، از شرق به خلیج فارس و از غرب به نهر العماری محدود شده است، با مساحت تقریبی ۳۵ کیلومتر مربع آزاد شد. در حین عملیات، در مجموع ۱۰۹ نفر از نیروهای یگان شهید و حدود ۲۰۰ نفر مجروح شدند که ضربه‌ای اساسی برای یگان محسوب نمی‌شد. اما هنگامی که تیپ المهدی (عج) پدافند منطقه را عهده‌دار بود، بر اثر بمباران‌های پی‌درپی شیمیایی و... بیش از هزار نفر از نیروها مجروح و برای



سنگر فرماندهی قرارگاه نوح در جریان عملیات والفجر ۸ برادران حسین علایی فرمانده قرارگاه، فدوی مسئول اطلاعات، عساکره مسئول ادوات قرارگاه خاتم الانبیا و آقای الیاس حضرتی راوی مرکز در سمت چپ تصویر و تعدادی از برادران حضور دارند.

درخصوص ادامه تک در محور جاده ام‌القصر و ضلع غربی کارخانه نمک واگذار کرد. بنابراین، محور جدیدی که برای اجرای عملیات به لشکرهای ۲۷ حضرت رسول (ص)، ۱۷ علی بن ابیطالب (ع) و تیپ ۳۳ المهدی (عج) (به‌عنوان سازمان رزم جدید قرارگاه) پیشنهاد شد، ضلع غربی کارخانه نمک بود. در این منطقه وضعیت زمین ایجاب می‌کرد که نیروها فقط روی جاده عمل کنند، زیرا خارج از جاده در سمت شرق، دریاچه نمک قرار داشت و غرب جاده نیز به دلیل باتلاقی بودن قابل عبور نبود.

در جلسه‌ای که در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۶ با حضور فرماندهان قرارگاه نوح برگزار شد، مأموریت لشکر حضرت رسول (ص) و تیپ ۳۳ المهدی (عج) مشخص گردید و با وجود اینکه در همان روز ۷۰۰ نفر از نیروهای تیپ ۳۳ المهدی (عج) شهید شده بودند و توانش تحلیل رفته بود، طرح قرارگاه را برای عملیات روز بعد پذیرفت. در این طرح مقرر شده بود که نیروهای تیپ المهدی از ابتدای جاده‌ای که در ضلع غربی دریاچه نمک امتداد یافته بود تا زاویه شمال غربی آن نقطه حرکت و در این قسمت پیشروی کنند و در ادامه با ایجاد شکاف خود را به کانال برسانند؛^(۳۸) یعنی قسمتی از کانال آب را هم که در امتداد جاده بود پاک‌سازی کنند و در آخرین جاده دریاچه نیز ۳ کیلومتر از غرب به طرف شرق پیشروی کرده، جاده را منفجر کنند و تا صبح روز بعد مواضع خود را در این قسمت تثبیت کنند. نیروهای لشکر حضرت رسول (ص) هم بایستی جاده آسفالته را تا ۳ کیلومتر بعد از پل پاک‌سازی کنند و قبل از کانال، انهدام دشمن را در طرف راست ادامه دهند تا با نیروهای المهدی (عج) الحاق کنند.^(۳۹)

نیروهای یگان در عصر ۱۳۶۴/۱۱/۲۷ به سهراهی کارخانه نمک منتقل و منتظر دستور برای آغاز عملیات شدند. لشکر حضرت رسول (ص) نیز در دو کیلومتری سهراهی کارخانه نمک روی جاده آسفالته مستقر شده بود.

مداوا به پشت جبهه منتقل شدند. از نیروهای باقیمانده، ۲ گردان ناقص (گردان کمیل با استعداد ۱۵۰ و گردان فجر با استعداد ۱۷۰ نیرو) برای اجرای مأموریت جدید به جاده فو-ام‌القصر انتقال یافتند و بقیه نیز برای حفظ اراضی آزادشده و پدافند در رأس البیشه باقی ماندند تا ارتش برسد و در منطقه مستقر شود. فقط یک گردان ناقص ۹۰ نفره به‌عنوان احتیاط در منطقه باقی ماند که در ادامه مأموریت جدید بنابر ضرورتی که پیش آمد به کار گرفته شد.^(۳۶)

طبق دستور رحیم صفوی جانشین نیروی زمینی سپاه پاسداران، خط پدافندی تیپ المهدی (عج) به لشکر ۳۰ گرگان (ارتش) تحویل شد. اسدی در این باره می‌گوید: «قبل از اینکه قرارگاه نوح در جریان باشد، قرارگاه خاتم این (تحویل خط به ارتش) را به ما ابلاغ کرده. وقتی من به قرارگاه نوح گفتم که به من چنین ابلاغی شده، گفتند ما در جریان نیستیم، منتها چون خود برادر رحیم رأساً سفارش کرده بودند و ایشان

(فرمانده لشکر ۳۰ گرگان) را معرفی کرده بودند، ما هم بلافاصله آنجا را تحویل دادیم و تقریباً تا چند روز اول ترابری کامل آنها به‌عهده یگان دریایی ما بود و قریب چند هزار نیرو برای آنها ترابری کردیم.»^(۳۷)

مرحله دوم عملیات مأموریت جدید یگان

بعد از پایان یافتن مأموریت قرارگاه نوح در قسمت جنوبی رأس البیشه، قرارگاه خاتم مأموریت جدیدی

در شب اول عملیات تیپ، فقط یک نفر از خواص‌ها توانست به‌موقع (بعد از ۲ ساعت) خود را به ساحل دشمن برساند و بقیه یا برگشتند یا ساعت‌ها گرفتار جریان‌های متفاوت آب بودند.

صبح بود که قرارگاه دستور داد باقیمانده نیروهای
که جلو رفته بودند و از سمت راست تأمین نداشتند،
برگردند. ... نیروها را چون در محاصره دشمن بودند
نتوانستیم برگردانیم.»

موضوع مهمی که قبل از عملیات کاملاً مشهود
بود، اینکه به همان اندازه که فرماندهی تیپ المهدی (عج)
برای ادامه عملیات - باوجود آمادگی نداشتن و تأخیر
در اعزام نیروهایش به منطقه - اعتقاد و شوق داشت،
فرمانده لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) دچار تردید بود
(یا اصلاً اعتقاد نداشت) و تردیدش

را ابراز می کرد، ولی درنهایت با
اصرار فرماندهی قرارگاه نوح
مجبور شد در عملیات شرکت
کند.

این عامل و وجود عوارض
بسیاری که در مسیر این لشکر
بود، سبب شد تا این یگان
باوجود تلفات فراوانی که به
دشمن تحمیل کرد، نتواند به
پل برسد و در نتیجه الحاق بین
دو یگان تا صبح محقق نشد و
قرار شد تیپ المهدی (عج) نیز در
زاویه شمالی کارخانه پدافند
کند. البته، تیپ المهدی (عج) نیز

برخلاف طرح مانور به جای اینکه در ضلع شمالی
کارخانه پیشروی کند، از پیچ کانال عبور کرد و خود
را به پل و ابتدای جاده فاو - ام القصر رساند. بر اثر
آتش شدید توپخانه عراق، یک گروهان از نیروهای
تیپ المهدی (عج) که خودشان را به پل رسانده بودند،
به دلیل منفجر شدن مهماتی که برای انفجار پل برده
بودند، در محاصره ماندند و درنهایت شهید یا اسیر
شدند. بدین ترتیب باوجود تلفات و ضرباتی که در
این محور به ارتش عراق وارد شد، اهداف مورد نظر
قرارگاه تأمین نشد. (۴۱)

ناوتیپ امیرالمؤمنین (ع) از تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۷
به تیپ المهدی (عج) مأمور شد تا پدافند منطقه ضلع
غربی دریاچه نمک را برعهده بگیرد. خلیل مطهرنیا
درباره شناسایی های انجام شده و توجیه نیروها در
منطقه جدید می گوید: «زمان بسیار کم بود؛ حدود
۵ الی ۶ ساعت بیشتر وقت نداشتیم برای توجیه و
شناسایی منطقه. ما برادران مسئول دو گردان را بردیم
و در منطقه توجیه کردیم و آماده شدیم همان شب
عملیاتمان را شروع بکنیم.» (۴۰)

شب و روز اول (۱۳۶۴/۱۱/۲۷)

در آغاز نخستین شب مرحله دوم عملیات، تعدادی
از نیروهای زنده تیپ به همراه گروهی دیگر بر اثر
اصابت خمپاره دشمن به خودروشان به شهادت
رسیدند. فرمانده عملیات منطقه جدید (حاج اکبر
رحمانیان معاون اول طرح و عملیات) و معاون دوم
طرح و عملیات (سیدحسین اسلامی) از جمله شهدا
بودند. پس از شهادت نیروها، مسئول طرح و عملیات
بی درنگ برای هدایت عملیات عازم محل استقرار
نیروها شد.

خلیل مطهرنیا شب اول عملیات را این گونه
شرح می دهد: «با هماهنگی ای که با لشکر حضرت
رسول (ص) شد، عملیات را شروع کردیم. در محوری
که به ما واگذار شده بود، در ضلع سمت چپ [و
ضلع غربی دریاچه نمک] به طرف کانال، عملیات
را شروع کردند و به سرعت توانستند خودشان را
به اهدافی که تعیین کرده بودیم برسانند و حتی
برای کمک به لشکر حضرت رسول (ص)، نیرویی از
همان گردان جلویی مان را به طرف مقر فرماندهی
نیروهای عراقی در پشت پل روی کانال آبی که
از خور عبدالله به دریاچه نمک می ریزد فرستادیم.
نیروها تا آنجا رفتند و هرچه منتظر بودند... نیرویی
از سمت چپ (که حد لشکر حضرت رسول بود)
به آنها نرسید و الحاق صورت نگرفت. نزدیکی های

در محور تیپ المهدی (عج) بعد از
پاک سازی خط اول، گروهی از
رزمندگان غواص تیپ که خط
را شکسته بودند، هدف تیربار
کماندوهای دشمن که در بالای
کشتی به گل نشسته کار گذاشته
شده بود و به منطقه احاطه
داشت، قرار گرفتند.



لشکر ۳۳ المهدی در حال انتقال رزمندگان در یکی از جاده‌های فاو به سمت خط مقدم - ۱۳۶۴/۱۱/۲۲.

عملیات گرفتند. به همین منظور نیروهای تیپ المهدی (عج) خودشان را به پیچ کانال رساندند، ولی به دلیل ضعف آشکار در سطوح فرماندهی و کادر تیپ امام حسن (ع)، این یگان حاضر به پیشروی نشد و با به‌جا گذاشتن تعدادی شهید و مجروح، به خط پدافندی شب قبل (جاده منهای ضلع شمالی دریاچه نمک) عقب‌نشینی کرد. (۴۳) اسدی فرمانده تیپ المهدی (عج)، در گفت‌وگو با علایی فرمانده قرارگاه نوح، مشکل هماهنگ‌نبودن نیروهای این یگان را به‌عنوان مشکل اصلی مطرح کرده است.

خلیل مطهرنیا عملیات تیپ را در شب دوم چنین تشریح می‌کند: «به‌خاطر کمبود نیرویی که مسئولین لشکر اعلام کردند، از تیپ امام حسن (ع) باز نیرو آمد آنجا وارد عمل شود. در آن منطقه باوجود نیروهای تیپ امام حسن (ع) باز تعدد فرماندهی به وجود آمد. نیروی جدید اصلاً به منطقه توجیه نبودند و عده‌ای از این نیروها تا قبل از اینکه نیروی اولشان از مقابل نیروی ما عبور بکنند در حال عقب‌نشینی بودند، کنترل فرماندهی آنها بسیار ضعیف بود. ... حتی در شب دوم مجدداً ما نیرویی فرستادیم، رفتند هدفی را که قرار بود بگیرند گرفتند با تعدادی مجروح و شهید، اما به‌خاطر

شب و روز دوم (۱۳۶۴/۱۱/۲۸)

در شب دوم، بار دیگر در نشستی با حضور فرماندهی قرارگاه نوح و فرماندهان لشکرهای ۲۷ حضرت رسول (ص)، تیپ ۳۳ المهدی (عج) و تیپ امام حسن (ع) مقرر شد که تیپ المهدی (عج) در ادامه ضلع غربی مانند شب قبل (پاک‌سازی جاده سمت راست تا ۵ کیلومتر و سپس انفجار آن و پاک‌سازی ضلع غربی تا کانال اصلی) عمل کند. به دلیل اینکه دو گردان از نیروهای لشکر حضرت رسول (ص) در بهمن شیر بودند و آمادگی اجرای عملیات را نداشتند، این یگان کار تثبیت خطوط پدافندی منطقه را برای روز بعد به‌عهده گرفت. همچنین مقرر شد تیپ امام حسن (ع) با دو گروهان نیرو در جاده فاو - ام‌القصر وارد عمل شود و دو گروهان را نیز از محور المهدی وارد کند تا پس از پاک‌سازی محور جنوبی کانال از سمت راست وارد جاده آسفالته شده، سرپلی را تصرف کنند و پس از انهدام دشمن، گروهان‌ها با هم الحاق کنند. (۴۴)

در شب دوم، مسئولان یگان باوجود اینکه یقین داشتند موفقیتی به دست نخواهد آمد تصمیم به اجرای

المهدی (عج) هم با به‌کارگیری نیروهای رزم‌ناو امیرالمؤمنین مانند شب‌های قبل، جاده آخر را تا ۴ کیلومتر پاک‌سازی و منفجر کند و تا انتهای ضلع غربی دریاچه نمک و قسمتی از کانال آب که در امتداد آن قرار داشت، به پیشروی و پاک‌سازی پردازد تا با نیروهای لشکر علی بن ابیطالب الحاق کند. لشکر حضرت رسول (ص) هم پاک‌سازی سنگرها و استحکامات بعد از کانال آب را تا ۳ کیلومتر به‌عهده گرفت.

در این شب، نیروهای لشکر ۳۳ المهدی (عج) و ناوتیپ امیرالمؤمنین که به این یگان مأمور شده بود، موفق شدند اهداف تعیین شده را تصرف کنند، اما به دلیل مشکلی که برای نیروهای لشکر علی بن ابیطالب (ع) پیش آمد؛ شهادت فرماندهان گردان و گروهان و معاونان آنها، سازمان نیروها از هم پاشید و قرارگاه دستور داد لشکر حضرت رسول (ص) از مأموریت اصلی خود که پاک‌سازی بعد از کانال آب بود، صرف‌نظر کند و به ادامه مأموریت لشکر علی بن ابیطالب (ع) پردازد. تلاش نیروهای این یگان به این دلیل مؤثر واقع نشد که نتوانسته بودند به پل برسند و به‌اشتباه به دکل واقع در جاده ام‌القصر رسیده و تعداد زیادی از کادرهای گردان عمل‌کننده این لشکر شهید یا مجروح و پراکنده شده بودند. دشمن که به حساسیت منطقه پی برده بود، آتش شدیدی روی نیروهای خودی اجرا کرد و به همین دلیل، آنان مجبور به عقب‌نشینی شدند و برای سومین بار، عملیات در محور فاو - ام‌القصر بی‌نتیجه ماند.^(۴۶)

در ساعت ۰۲:۰۰ بامداد ۱۳۶۴/۱۱/۲۹، قرارگاه خاتم اطلاع داد که ارتش عراق با ۳ تیپ و به‌کارگیری همه تجهیزات خود قصد پاتک از محور ام‌القصر را دارد، بنابراین، همه یگان‌ها کل قوای خود را بسیج کرده، برای مقابله آماده باشند. خلیل مطهرنیا در خصوص هوشیاری و آمادگی دشمن می‌گوید: «دشمن با ضعف‌هایی که در این عملیات از ما دید، اسیر از ما گرفت. تعدادی از شهدا

عدم الحاق، مجدداً تعدادی در منطقه اسیر دادیم که اینها به‌خاطر همین ناهماهنگی‌ها بود که در منطقه موجود بود. به نظر ما تصرف منطقه کار ساده‌ای بود و اگر یک توان صحیح و یک فرماندهی صحیح اعمال می‌شد، این پل و خط در کمترین زمان تصرف می‌شد و مشکل چندانی در رابطه با خود منطقه وجود نداشت، چون دشمن استحکامات و مواضع از پیش تعیین شده زیادی در آنجا نداشت، امکانات زرهی اش زیاد در آن محور نبود، به‌خاطر محدود بودن عقبه‌اش و ترس از اینکه عقب بسته شود، جرئت نمی‌کرد به اندازه کافی در منطقه نیرو وارد کند و موقعیت مناسبی بود که این الحاق صورت بگیرد. متأسفانه به‌خاطر همان مسائلی که اشاره شد، در شب دوم از موفقیتی که بچه‌های ما به دست آوردند، هیچ استفاده‌ای نشد.»^(۴۴)

وضعیت تیپ المهدی (عج) در پایان روز به این ترتیب بود که باوجود تلفاتی که در حمله شیمیایی عراق داده بود (حدود ۱۰۰۰ نفر) و تعداد قابل‌توجه اسیر، شهید و مجروح در شب‌های قبل، مسئولان یگان روحیه خوبی داشتند، اما دیگر نیرویی برایشان باقی نمانده بود. اسدی فرمانده تیپ، در این باره می‌گوید: «رفتم نیروها را جمع کردم، با خودم و محمدآقا (سمیع‌زاده راوی تیپ) شدیم ۱۲ نفر و به اندازه یک گردان می‌توانیم کار کنیم.»^(۴۵)

شب و روز سوم (۱۳۶۴/۱۱/۲۹)

باتوجه به موفق نبودن عملیات در روز دوم، عصر ۱۳۶۴/۱۱/۲۸، جلسه‌ای با حضور فرماندهان قرارگاه نوح (حسین علایی) و فرماندهان لشکرهای ۲۷ حضرت رسول (ص) (محمد کوثری)، ۱۷ علی بن ابیطالب (ع) (غلام‌رضا جعفری) و تیپ ۳۳ المهدی (عج) (جعفر اسدی) برگزار و مقرر شد که لشکر علی بن ابیطالب (ع) به جای تیپ امام حسن (ع) تا آن طرف پل و پس از جنوب کانال آب به طرف راست تیپ المهدی (عج) را پاک‌سازی کند. تیپ ۳۳

را حفظ کند تا نیروی کمکی برسد، اما فرماندهی لشکر حضرت رسول (ص) آن را نمی پذیرفت. سرانجام، ارتش عراق از ساعت ۰۸:۰۰ صبح ۱۳۶۴/۱۱/۳۰ از محور فاو - ام‌القصر و سپس ضلع غربی دریاچه نمک که فقط ۱۲ نفر از نیروهای تیپ المهدی (عج) (در سه راهی جاده سوم عرضی) در آن مستقر شده بودند، پاتک خود را آغاز کرد. فرمانده تیپ در تماس با نیروها آنها را به استقامت تشویق می کرد، آنان نیز با همه توان مقاومت می کردند و عراقی ها هر چقدر کوشیدند که از ضلع غربی کارخانه پیشروی کنند، نتوانستند. ارتش عراق پس از آنکه از گشودن این محور کاملاً مأیوس شد، نیروها و امکانات خود را به جاده آسفالته (محور حضرت رسول (ص)) منتقل کرد.^(۴۹) عراقی ها در این محور با به کارگیری همه امکانات زرهی و نیروهای خود، آتش شدیدی اجرا کردند و توانستند چند کیلومتر در محور لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) پیشروی کنند. نیروهای تیپ ۳۳ المهدی (عج) در تماسی نظر فرمانده عملیات را باتوجه به این وضعیت جویا شدند و وی نیز گفت: «شما به تکلیفتان عمل کنید، مسئله آن طور که باید بشود می شود. شما نگران این مسائل نباشید.»^(۵۰)

به دلیل طولانی شدن عملیات (۳ شبانه روز) و باتوجه به اینکه نیرویی برای یگان ۳۳ المهدی (عج) باقی نمانده بود و از طرفی قرارگاه نوح به ضرورت اجرای عملیات مجدد در این منطقه اصرار داشت، یک گروهان از نیروهای ناوتیپ امیرالمؤمنین* در سومین شب عملیات به کار گرفته شدند. هنگام عقب نشینی این نیروها، ۴۰ تا ۵۰ نفر شهید، مجروح یا اسیر در منطقه باقی ماند. این موضوع به علاوه آتش شدیدی که دشمن روز بعد هنگام اجرای پاتک می ریخت، سبب شد تا این نیروها که کارایی چندانی نیز نداشتند به فرمانده یگان فشار بیاورند تا آنها را به عقب برگرداند. وی نیز بدون اطلاع قرارگاه و حتی

* فرمانده ناو تیپ امیرالمؤمنین (ع)، حسین کارگر بود.

مانند تعدادی مجروح آنجا ماندند و با اطلاعاتی که از اینها می گرفت از وضعیت ما تقریباً مطلع شده بود و علت پاتکش شاید همین بود.»^(۴۷)

تیپ المهدی (عج) با دو گروهانی که از ناوتیپ امیرالمؤمنین (ع) در اختیار داشت، موفق شد تا زاویه قائمه کانال، پیشروی کند، اما مشکل عمده فرماندهی تیپ المهدی (عج) در روز سوم، عقب نشینی خودسرانه نیروهای ناوتیپ امیرالمؤمنین (ع) بود، درحالی که سایر نیروها مشغول حفظ خط بودند. با مشکلاتی که در جاده ام‌القصر پیش آمده بود، تیپ هم مجبور شد به جای قبلی اش برگردد.

پاتک دشمن و استقامت نیروها

پاتک دشمن از ساعت ۰۸:۰۰ صبح شروع شد. پس از دستور قرارگاه و اطلاع فرماندهان یگان های مستقر در منطقه از پاتک قریب الوقوع دشمن از جاده فاو - ام‌القصر، هریک از یگان ها به گونه ای از مسئولیت شانه خالی می کردند. فرمانده لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص)

می گفت: «خط اصلی ما پایین کارخانه نمک است، ما برمی گردیم همان جا پدافند می کنیم.» فرماندهی تیپ المهدی (عج) نیز می گفت: «با اینکه ادواتم اینجا نیست، هیچ چیز ندارم، با همین ۱۲ نفر این محور را حفظ می کنم؛ در صورتی که شما نگذارید دشمن از محور شما پیشروی کند و از پشت نیروهای ما را هدف قرار دهد.»^(۴۸)

نظر مسئولان قرارگاه این بود که لشکر حضرت رسول (ص) با به کارگیری نیروهای تیپ امام حسن (ع) خط را حفظ کند و تیپ المهدی (عج) نیز محور خودش

در حین عملیات، در مجموع ۱۰۹ نفر از نیروهای یگان شهید و حدود ۲۰۰ نفر مجروح شدند. اما هنگامی که تیپ المهدی پدافند منطقه را عهده دار بود، بر اثر بمباران های پی در پی شیمیایی و... بیش از هزار نفر از نیروها مجروح و برای مداوا به پشت جبهه منتقل شدند.

که یک فرمانده گردان و یک فرمانده گروهان در بین شهدا بودند. ۳ فرمانده گروهان نیز مفقود شدند. همچنین ۳ دستگاه تانک، ۲ فروند هواپیما، ۱۴ دستگاه خودرو، ۶ فروند قایق و چند دستگاه موتور منهدم و تعدادی سلاح سبک نیز مفقود شد.

از نیروهای دشمن هم در خطوط اول و دوم ۲۰۰ نفر و هنگام پاک‌سازی نخلستان و مقرها تعداد زیادی کشته شدند و ۶۰ نفر نیز به اسارت درآمدند که در بین اسرا یک فرمانده تیپ و چند افسر و درجه‌دار وجود داشتند.

غنائم به دست آمده در این

عملیات زیاد بود، اما در بسیاری از موارد به دلیل وضعیتی که در هر عملیاتی طبیعی است، دسترسی به همه ارقام امکان‌پذیر نبود. از جمله ارقام غنیمتی که یگان المهدی (عج) آنها را ثبت کرده، ۴ دستگاه تانک، ۱۳ قبضه توپ ضد هوایی به همراه مهمات و وسایل یدکی، ۶ دستگاه بی‌سیم، ۱۵ دستگاه خودرو سبک و سنگین و مقدار زیادی تجهیزات مربوط، وسایل تأسیساتی و برقی، دارو و... می‌باشد.

در مجموع، از تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۱ الی ۱۳۶۴/۱۱/۳۰،

از نیروهای تیپ ۳۳ المهدی (عج) ۱۲۰ نفر شهید، ۱۰۰۰ نفر مجروح و ۱۱۱ نفر اسیر و مفقود شدند. از میان کل شهدا، مجروحان و مفقودشدگان و اسرا، ۴۷ نفر فرمانده گردان، گروهان و معاونان آنها بودند.^(۵۳)

در مرحله دوم، نزدیک به یک کیلومتر مربع از اراضی دشمن در ضلع غربی کارخانه نمک با تلاش نیروهای خودی آزاد شد. از قوای دشمن نیز در کل دو مأموریت، بیش از ۱۰۰۰ نفر کشته، ۹۴ نفر اسیر و تعدادی نزدیک به ۳ گردان مجروح شدند.

فرمانده تیپ المهدی (عج) اقدام به تخلیه نیروها کرد و زمانی که از وی سؤال شد که آیا قرارگاه از تخلیه نیروها مطلع است یا فرماندهی قرارگاه خود آن را به شما ابلاغ کرده است؟ گفت: تاکنون از طرف قرارگاه به ما ابلاغ نشده، ولی چون بسیجی‌ها مأموریت‌شان پایان یافته بود و همکاری نمی‌کردند آنها را به عقب منتقل کردیم. در پایان مأموریت دوم، تعداد بسیار کمی از نیروهای یگان که باقی مانده و ۸ شبانه روز متوالی جنگیده بودند، برای بازسازی به اهواز منتقل شدند، ولی فرمانده یگان با توجه به حساسیت منطقه و ادامه فشاری که از طرف دشمن وجود داشت، به درخواست قرارگاه در منطقه باقی ماند.^(۵۱)

در پی فشار وارد شده از پاتک دشمن و آتش شدید توپخانه عراق در محور جاده ام‌القصر، لشکر ۲۷ تلفات زیادی را متحمل می‌شود. در این وضعیت، قرارگاه خاتم با حضور فرماندهان یگان‌ها به سرعت تشکیل جلسه داده، مرتضی قربانی را به عنوان فرمانده ارشد عملیات سهراهی کارخانه نمک معرفی می‌کند. با این اقدام، آرامش و تمرکز به نیروهای خودی باز می‌گردد و بارش باران سبب وحشت دشمن شده، شروع به عقب‌نشینی می‌کند.^(۵۲)

در پی این جلسه، تیپ انصارالحسین (ع) خط را از لشکر ۲۷ حضرت رسول تحویل گرفت تا با پشتیبانی ادوات حضرت رسول (ص)، ۲۵ کربلا و ۳۱ عاشورا بتواند خود را به خط قبلی (۱/۵ کیلومتری کانال) برساند. عراق نیز چند بار در ۱۳۶۴/۱۲/۳، ۱۳۶۴/۱۲/۱۱ و ۱۳۶۴/۱۲/۱۷ اقدام به پاتک کرد که در هر مرحله با دادن تلفاتی مجبور به عقب‌نشینی شد و به این نتیجه رسید که فشار خود را روی دریاچه نمک که تحت امر قرارگاه نجف قرار گرفته بود، بگذارد.

آمار تلفات و ضایعات

در مرحله اول عملیات، از نیروهای تیپ ۳۳ المهدی (عج) ۱۰۹ نفر شهید و نزدیک به ۲۰۰ نفر مجروح شدند

به همان اندازه که فرماندهی تیپ المهدی (عج) برای ادامه عملیات - با وجود آمادگی نداشتن و تأخیر در اعزام نیروهایش به منطقه - اعتقاد و شوق داشت، لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) دچار تردید بود.

تیپ‌های ثارالله و المهدی (عج) در پایان جلسه خود در ۱۳۶۴/۱۱/۱۹، بر این موضوع تأکید کردند.

با وجود نفوذ شدید فرماندهی روی نیروها که در پیشبرد کارها مؤثر بود، ضعف تشکیلات و نظم سبب کندی تحرک واحدها و انجام‌نشدن کارهای اساسی می‌شد. علاوه‌براین، غیبت فرماندهی - که تصمیم‌گیرنده نهایی حتی در امور جزئی محسوب می‌شد - موجب بلا تکلیفی نیروها و بن‌بست شده بود. از طرف دیگر، شهادت مسئولان باتجربه واحدها که با جبهه و جنگ آشنا بودند، یگان‌ها را با کمبود نیروهای کارآزموده مواجه می‌کرد.

همکاری و هماهنگی واحدها به دلیل مقبولیت و نفوذ معنوی فرماندهی و ترکیبی که مسئولان از نظر اخلاقی و سیاسی داشتند، بسیار خوب بود، طوری که برخی واحدها گاه از ابراز نارسایی‌های موجود به فرماندهی خجالت می‌کشیدند.

موضوع دیگر رعایت نکردن ملاحظات حفاظتی در مکالمات بی‌سیم بود. با وجود اینکه کشف مکالمات بی‌سیم مسئولان ضربات سختی را در جنگ متوجه جمهوری اسلامی کرده بود، می‌بایست از تجارب به‌دست‌آمده بهترین استفاده ممکن می‌شد، اما کم‌توجهی و بی‌دقتی برخی واحدها و مسئولان آن ضربات دیگری را متوجه یگان‌های عمل‌کننده می‌کرد، طوری که دشمن با شنود مکالمات بی‌سیم فرماندهان پی برده بود که نیروها از کدام محور حرکت می‌کنند و قصد انفجار کدام نقطه را دارند.

نتیجه‌گیری

در نتیجه عملیات گسترده والفجر ۸ دو هدف مهم تصرف زمین راهبردی و انهدام گسترده دشمن به نفع جمهوری اسلامی ایران محقق شد. علاوه‌بر اسرا و تلفاتی که ارتش عراق در این عملیات متحمل شد و غنائمی که از عراقی‌ها به دست آمد، با پذیرش شکست ضربه روحی و روانی سختی به ارتش این

همچنین یک دستگاه لودر، یک دستگاه کمپرسی، ۳ دستگاه ایفا، ۵ دستگاه ماشین سبک، ۱۳ قبضه سلاح ضد هوایی، ۲ قبضه تفنگ ۸۲ میلی‌متری، ۳ دستگاه دوربین دید در شب و چند دستگاه مرکز تلفن دشمن به غنیمت گرفته شد و بیش از ۱۰ دستگاه تانک و نفربر نیز منهدم گردید.

ارزیابی و جمع‌بندی

مشکلات و نارسایی‌های اصلی تیپ ۳۳ المهدی (عج) در عملیات والفجر ۸ عبارت بودند از: کمبود نیروی زنده و باتجربه و مسئولیت‌پذیر، کمبود امکانات لازم برای بعضی واحدها، کمبود وسایل نقلیه به‌ویژه خودرو، کمبود مهمات بعضی اسلحه‌ها مانند ۱۰۷ و ۱۲۰ م.م، کمبود امکانات شناسایی، کمبود وسایل عبور از رودخانه.

در بعضی موارد با اتخاذ تدابیری مشکلات فوق در خود یگان حل‌شدنی بود و برخی هم با هماهنگی قرارگاه برطرف می‌شد. در مواردی مانند عبور از رودخانه نیز قرارگاه خاتم سپاه می‌بایست برنامه‌های میان‌مدتی را در پیش می‌گرفت تا به تدریج مشکلات حل شوند. البته، گاهی نیز ضعف‌ها و تصمیمات قرارگاه بر مشکلات می‌افزود.

یکی از موضوعات مهم و حساس در این عملیات لزوم توجه به امر حفاظت بود که طبق گفته‌های فرماندهان، کیفیت مطلوب‌تری نسبت به عملیات‌های گذشته داشت. مهم‌تر از آن اعتقاد همه نیروها به امور حفاظتی بود که رعایت آن را واجب و بی‌توجهی به آن را گناهی بزرگ و خیانت به اسلام می‌دانستند. هماهنگی تیپ با قرارگاه با توجه به برخوردهای عاطفی و صبورانه فرماندهان تیپ و قرارگاه در برابر یکدیگر، بسیار مطلوب بود، اما بی‌توجهی واحد مهندسی قرارگاه به رعایت امور حفاظتی - طبق اظهارنظرهای مسئولان - موجب هوشیارشدن دشمن و در نتیجه بمباران منطقه زادصالح قبل از عملیات شد، طوری که فرماندهان



نیروهای لشکر ۳۳ المهدی در حال انتقال آب و تجهیزات و آذوقه و مهمات به ساحل فاو جهت پشتیبانی نیروهای رزمنده - ۱۳۶۴/۱۱/۲۵.

مغرور نشدن به استعداد های نظامی، امکانات و تجربیات و...؛ رعایت موضوع حفاظت؛ استفاده از عامل فریب؛ استقرار نیرو و فعالیت مهندسی در نقاط دیگر به منظور منحرف کردن توجه دشمن از محور اصلی؛ آموزش مناسب نیروها با توجه به مأموریت های ابلاغی؛ وضعیت بد جوی و باران که سبب شد دشمن هرگز تصور نکند مورد حمله قرار می گیرد؛ غافلگیری کامل و صد درصد دشمن در رده های بالای نظامی، طوری که بر اساس اطلاعات شنود به نیروهای در خط مرخصی داده بودند؛ کمیت (حجم) و کیفیت آتش ادوات خودی، به گونه ای که تحرک و اقدامات حساب شده ادوات یگان توانست مشکل کمبود مهمات تانک های مأمور را جبران کند و آتش مورد نیاز نیروها را به حدی تأمین کند که نیازی به استفاده از توپخانه ارتش نباشد.

کشور وارد شد. مهم ترین نتیجه این عملیات آزادسازی شهر فاو، انهدام سکوهای پرتاب موشک، قطع امکان تردد عراق به خلیج فارس، تأمین خور موسی و تردد کشتی ها به بندر امام خمینی، تسلط بر جنوب اروند و هم مرز شدن با کویت بود.

در طول عملیات والفجر ۸، بسیاری از نیروهای تیپ ۳۳ المهدی (عج)، اعم از کادر، وظیفه و بسیجی در حملات زمینی و به ویژه شیمیایی و پاتک های دشمن آسیب دیدند، طوری که در ادامه عملیات، بنابر ضرورت، نیروهای ناوتیپ امیرالمؤمنین (ع) تحت امر این یگان قرار گرفتند.

عوامل موفقیت نیروهای خودی از نظر فرمانده تیپ ۳۳ المهدی (عج) و خلیل مطهرنیا مسئول طرح و عملیات یگان، عبارت بود از: توجه به خداوند و

منابع و مأخذ:

۱. سند شماره ۲۴۲/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش عملیات قرارگاه نوح در عملیات والفجر ۸ (الیاس حضرتی)، ص ۱۹.
۲. همان، صص ۱۰ - ۹.
۳. حسین علایی، «بررسی، ارزیابی و تحلیل عملیات والفجر ۸»، جنگ ایران و عراق عملیات والفجر ۸ (مجموعه مقالات) به کوشش حسن دری، تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس، ۱۳۸۸، ص ۵۱.
۴. سند شماره ۶۵۰/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش عملیات تیپ ۳۳ المهدی (عج) در عملیات والفجر ۸ (سمیع زاده)، ص ۹.
۵. همان.
۶. سند شماره ۲۴۲/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین ص ۴۶.
۷. سند شماره ۶۵۰/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین ص ۱۴.
۸. یحیی نیازی، جاده استراتژیک فاو - بصره، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۹۱، ص ۳۲.
۹. سند شماره ۶۵۰/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین ص ۷.
۱۰. همان، ص ۱۵.
۱۱. همان، ص ۱۱.
۱۲. همان، ص ۱۲.
۱۳. همان، ص ۱۲.
۱۴. محمد درودیان، سیری در جنگ ایران و عراق (خرمشهر تا فاو)، جلد دوم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸، صص ۱۹۵ - ۱۹۴.
۱۵. سند شماره ۲۴۲/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۲۵.
۱۶. سند شماره ۶۵۰/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۱۳.
۱۷. سند شماره ۲۴۲/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۲۷.
۱۸. محمد درودیان، پیشین، صص ۱۹۵ - ۱۹۴.
۱۹. حسین علایی، پیشین، ص ۴۴.
۲۰. سند شماره ۲۴۲/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۴۵.
۲۱. همان، ص ۵۴.
۲۲. سند شماره ۶۵۰/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۱۶.
۲۳. همان.
۲۴. همان، ص ۱۷.
۲۵. همان، ص ۱۹.
۲۶. همان.
۲۷. همان، ص ۲۰.
۲۸. همان، ص ۲۲.
۲۹. سند شماره ۲۴۲/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۸۲.
۳۰. حسین علایی، پیشین، ص ۵۱.
۳۱. سند شماره ۶۵۰/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۲۴.
۳۲. همان، صص ۲۴ و ۲۵.
۳۳. محمد درودیان، نبرد فاو (عملیات والفجر ۸)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۶۸، ص ۱۱۱.
۳۴. سند شماره ۲۴۲/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۸۹.
۳۵. سند شماره ۶۵۰/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۲۵.
۳۶. همان، ص ۲۹.
۳۷. همان.
۳۸. سند شماره ۲۴۲/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۱۰۸.
۳۹. سند شماره ۶۵۰/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۳۰.
۴۰. همان.
۴۱. سند شماره ۲۴۲/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۱۰۹.
۴۲. سند شماره ۶۵۰/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۳۲.
۴۳. سند شماره ۲۴۲/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۱۱۱.
۴۴. سند شماره ۶۵۰/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۳۴.
۴۵. سند شماره ۲۴۲/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، صص ۱۱۳ و ۱۱۴.
۴۶. همان، ص ۱۲۰.
۴۷. سند شماره ۶۵۰/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۳۵.
۴۸. همان، ص ۳۵.
۴۹. حسین اردستانی، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق (تنبیه متجاوز)، جلد سوم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران، ۱۳۷۹، ص ۱۷۶.
۵۰. سند شماره ۶۵۰/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۳۶.
۵۱. همان، ص ۳۷.